

محمد طبیبیان

چکیده

در این مقاله مسئله چگونگی تعیین نرخ بهره مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع از زاویه مرور تجربه تاریخی و تحول در مبانی نظری بررسی شده است. در پایان نیز برخی از روندهای آماری مرور شده و نتایج مباحث جمع‌بندی شده است. نرخ بهره قابل مشاهده بازار دارای سه جزء عمده است. نرخ بهره خالص، عامل ریسک کارآفرینی و عامل نرخ تورم انتظاری. هدف سیاست‌های پولی معمولاً اثرگذاری بر جزء اول این کمیت است. اجزای دیگر را احیاناً با ابزارهای سیاستگذاری دیگری نیز می‌توان تحت تأثیر قرار داد که خارج از این بحث است. در بخش اول این مقاله تحول تاریخی مفهوم بهره همراه با ظهور بانک‌ها بررسی شده است. در مبحث بعد به اهمیت بازارهای مالی در حیات جوامع در حدود سه قرن اخیر و نرخ بهره در امکان کارکرد این بازارها پرداخته شده است. بخش سوم به تحول نظری درباره تعیین نرخ بهره توجه شده است. در بخش اول و دوم خواهیم دید که چگونه مسائلی که سایر جوامع در مسیر تاریخی با آن روبه‌رو بوده‌اند با شرایط کشور ما نیز سنخیت داشته و استفاده از آن تجارب ضروری است. از آنجا که نرخ بهره نیز یک قیمت اقتصادی است که در اصل از کارکردهای درونی نظام اقتصادی نتیجه می‌شود در بخش پایانی خواهیم دید که تلاش در

اعمال نرخ‌های بهره دستوری چگونه می‌تواند اختلال‌های عمیقی در روندهای پولی و نظم اقتصادی کشور ایجاد کند.